

## نقش دوست در سر نوشت انسان

حجت الاسلام والمسلمین جلال عراقی\*

### اشاره

مسأله اثرگذاری و اثرپذیری، حقیقتی است که تقریباً در همه عرصه‌ها و در میان تمام موجودات حاکم است؛ اما در این میان، انسان از اثرگذاری و اثرپذیری بیشتری برخوردار است. اگر مسأله معاشرت و رفاقت به صورت مثبت و به‌جا و همراه رعایت شرایط لازم صورت گیرد، نقش اساسی در تأمین سعادت دنیا و آخرت دارد و اگر به شکل منفی و بی‌جا و بدون رعایت شرایط صورت پذیرد، سبب تیره‌بختی دائمی است.<sup>۱</sup> رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدَكُمْ مَنْ يُخَالِلُ»<sup>۲</sup>؛ انسان، بر طریقه دین و آیین دوست خود است، پس باید هر یک از شما با دید عقل بنگرد با چه کسی رفاقت و دوستی می‌کند.» این روایت، نشان‌دهنده تأثیر دوست در ایمان و اعتقادات دینی انسان است.

تو اول بگو با کیان زیستی پس آن‌گه بگویم که تو کیستی<sup>۳</sup>  
انسان علاوه بر اثرگذاری بر دیگران، اثرپذیر نیز هست؛ از این رو، اعمال و افعال انسان، اثر مستقیم در خُلق و خوی اشخاص دارد؛ به گونه‌ای که سهم قابل توجهی از شخصیت انسان، به واسطه معاشران و دوستان او شکل می‌گیرد؛ حتی بعضی بزرگان و اهل معرفت، بر این باورند که نفس آدمی به حدی اثرپذیر است که می‌تواند در یک برخورد کوتاه، با یک احوال‌پرسی و حتی از طریق یک نگاه، از دیگران متأثر شود.

با بدان کم نشین که بد مانی خوپذیر است نفس انسانی  
تا نباشی حریف بی‌خردان که نکوکار بد شود ز بدان

\* دانش‌آموخته حوزه علمیه و کارشناس ارشد حقوق.

۱. انصاریان، حسین، معاشرت، ص ۱۶-۱۵.

۲. شیخ طوسی، الأمالی، مجلس ۱۸؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ب ۱۴، ح ۱۲.

۳. سعدی.

یار بد همچو خار دان به درست که همی دامن‌ت بگیرد چست<sup>۱</sup> در وصیت‌نامه مرحوم آیت‌الله شعرانی آمده است: «شایسته است بر تو که از معاشرت‌های خالی از تعلیم با مردم بکاهی؛ به‌ویژه با ثروتمندان و دنیاخواهان. باید آنچه را موجب می‌شود که آخرت از یاد تو برود و میل و رغبت به دنیا را در تو ایجاد کند، رها کنی و با صالحان و پارسایان و اهل عبادت همراه گردی؛ زیرا این عمل، در تهذیب نفس مؤثر است.»<sup>۲</sup>

### اهمیت و نقش دوست

همان‌طور که گذشت، انسان، خواه و ناخواه تأثیرپذیر است و بخش مهمی از افکار و صفات اخلاقی خود را از طریق دوستانش می‌گیرد. این تأثیرپذیری، تا آن حد است که اسلام، برای انتخاب دوست، سفارش‌های بسیاری دارد و دوستی با برخی افراد را تشویق نموده و از دوستی با بعضی افراد نهی کرده است.<sup>۳</sup> برای این موضوع، آیات و روایات بسیاری وارد شده است که در این‌جا به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

### الف. ویژگی‌های دوستان خوب و بد

۱. رعایت حال دوست: علی علیه السلام درباره ویژگی‌های رفیق خوب می‌فرماید: «لَا يَكُونُ الصَّدِيقُ صَدِيقًا حَتَّى يَحْفَظَ أَخَاهُ فِي ثَلَاثٍ فِي نَكْبَتِهِ، وَغَيْبَتِهِ وَوَفَاتِهِ»<sup>۴</sup> دوست، دوست نیست؛ مگر این‌که برادر دینی و دوستش را در سه مورد رعایت کند: گرفتاری و بلای روزگار، هنگام غیبت و نبودش میان جمع و در وقت مرگ و وفاتش. «دوست خوب کسی است که در گرفتاری و بلای روزگار، با مال، آبرو، زبان و قدمش به یاری دوست خویش بشتابد تا مشکلات وی دفع شود. در غیبت و نبودش، میان جمع از او دفاع کند و جلوی زبان‌های گزنده دیگران بر ضد او را بگیرد. به هنگام وفات و از دنیا رفتنش نیز امورش را عهده‌دار شود و به زن و فرزندش رسیدگی نماید.»<sup>۵</sup>

۱. سنایی.

۲. بهرامی، غلامرضا، آیین دوستی، ص ۳۸-۳۹.

۳. صمدی، علی‌اکبر، نقش دوستان در سرنوشت انسان، ص ۲۷.

۴. سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۳۴.

۵. معاشرت، ص ۱۲۱.

۲. **ایمان و پارسایی:** ایمان و پارسایی، از ویژگی‌های دیگر یک دوست است؛ انسان مؤمن و پرهیزکار چگونه ممکن است دوستانی داشته باشد که اعتقادی به دین و نشانی از بندگی خدا نداشته باشند؟ خداوند در همین باره می‌فرماید: «افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد.»<sup>۱</sup>

۳. **عقل:** امام علی علیه السلام می‌فرماید: «هیچ ثروتی چون خرد و هیچ فقری چون نادانی نیست.»<sup>۲</sup> رفیق ناشایست و دوست جاهل، همچون زهری است که وجودش هر لحظه به جسم و جان انسان آزار می‌رساند. در روایات اسلامی، از دوستی با رفقای جاهل و بی‌خرد نهی گردیده و بر دوستی با عقلاً تأکید شده است؛ به گونه‌ای که اسلام یکی از شرایط دوستی را عقل دانسته است.<sup>۳</sup>

۴. **صالح بودن:** قرآن می‌فرماید: «آنان که خدا و رسول را فرمان برند، با پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان خواهند بود و اینان، چه خوب رفیقانی هستند.»<sup>۴</sup>

۵. **سایر ویژگی‌ها:** برخی ویژگی‌های دیگری که در روایات به آن‌ها پرداخته شده است، عبارت‌اند از: حریص نبودن به دنیا، اعتدال و میانه‌روی، آینه بودن با دوست، ادب، اخلاق نیکو.<sup>۵</sup>

## ب. نقش دوستان در سرنوشت اخروی انسان

اصولاً دوستان دو نقش مثبت یا منفی در زندگی انسان دارند:

### \* نقش مثبت:

۱. **حیات روح:** امام علی علیه السلام فرموده: «صُحْبَةُ الْوَلِيِّ اللَّيِّبِ حَيَاةُ الرُّوحِ؛<sup>۶</sup> زندگی و حیات روح، در گرو مصاحبت با دوست خردمند است.»

۱. آل عمران، آیه ۲۸.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۵۱.

۳. بهرامی، غلامرضا، آیین دوستی، ص ۶۰.

۴. نساء، آیه ۶۹.

۵. صمدی، علی‌اکبر، آیین دوستی، ص ۷۸-۵۰.

۶. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۰۱.

۲. شفاعت در آخرت: خداوند متعال سخن بعضی از جهنمیان را چنین نقل می‌فرماید: «فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ \* وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ»<sup>۱</sup> ما هیچ شفاعت‌کننده و دوست مهربانی نداریم. امام صادق علیه السلام در اهمیت دوست خوب به این آیات استناد جسته، می‌فرماید: «جایگاه دوست خوب، بسیار بالا است؛ به گونه‌ای که جهنمیان به او پناه برده، او را قبل از خویشاوند مهربان [خویش] می‌خوانند. خداوند متعال به نقل از آنان چنین می‌فرماید: ما هیچ شفاعت‌کننده و دوست مهربانی نداریم.»<sup>۲</sup>

یکی از ثمرات اخروی دوست خوب، همین است که انسان خطاکار، به احترام دوست خوبی که در دنیا داشته، ممکن است مورد آمرزش قرار گیرد و خلاصی یابد و به دوست بهشتی‌اش پیوندد.<sup>۳</sup>

#### \* نقش منفی:

۱. پشیمانی در آخرت: قرآن کریم می‌فرماید: «وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا \* يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا \* لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا»<sup>۴</sup> و روزی که ستمکار [مشرک] دو دست خود را [از روی حسرت] به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش با پیامبر همراه می‌شدم! ای وای بر من! کاش فلانی را دوست خود نمی‌گرفتم. رفیق من بعد از آن که حق از طرف خدا برای من آمد، مرا گمراه ساخت و شیطان هنگام امید، انسان را رها می‌کند. شأن نزول این آیه از این قرار است: در زمان نزول وحی در میان مشرکان، دو نفر به نام‌های «عقبه» و «أبى بن خلف» با هم دوستانی صمیمی بودند؛ به گونه‌ای که هرگاه یکی از سفر می‌آمد، با ترتیب دادن میهمانی از دوست خود پذیرایی می‌کرد. روزی عقبه از سفر آمد. میهمانی ترتیب داد و اشراف قوم خویش را به این میهمانی فراخواند. از قضا، دوستش در آن موقع به سفری رفته و در مهمانی حاضر نشد. اگرچه او هنوز اسلام نیاورده بود، با وجود این، پیامبر اسلام را هم به این میهمانی دعوت کرد. هنگامی که سفره را گسترده و غذا حاضر شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای عقبه! من از غذای

۱. شعراء، آیه ۱۰۰ - ۱۰۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۷، ص ۱۸۰.

۳. سیدی دمیرچی، سید ابوالفضل، «تأثیر دوست بر سعادت و شقاوت انسان»، ماهنامه مبلغان، ش ۹۴، ص ۳۶.

۴. فرقان، آیه ۲۶، ۲۷ و ۲۸.

شما نمی‌خورم تا شهادت به وحدانیت خدا و رسالت من دهی. عقبه نیز از باب این‌که به حضرت ارادت داشته و دوست داشت که ایشان از غذای او تناول کند، شهادتین را بر زبان جاری کرد. این خبر به گوش دوستش ابی رسید. ابی برای او پیغام فرستاد که: ای عقبه! از آیین خود منحرف شدی؟ عقبه در پاسخ گفت: نه، من منحرف نشدم؛ اما در میهمانی مردی بر من وارد شد و حاضر نبود از غذایم تناول کند؛ جز این‌که من شهادتین را بر زبان جاری کنم. شرم داشتم که کسی از سفره من تناول نکند. از این رو، شهادتین را گفتم. ابی گفت: من، تنها زمانی به دوستی با تو ادامه می‌دهم و از تو راضی می‌شوم که در برابر پیامبر بایستی و او را توهین کنی. عقبه برای دوستش، این کار را کرد و مرتد شد و سرانجام نیز او و رفیقش در جنگ بدر و احد در صف کفار به هلاکت رسیدند.<sup>۱</sup>

قیامت، صحنه حسرت است؛ چنان‌که یکی از اسامی قیامت، «یوم الحسرة» است؛ روز حسرت کسانی که در دنیا به جهت دوستان ناباب، گمراه، فاسد و گرفتار شده‌اند. آنان هر دو دست خود را به دندان می‌گزند؛ چون در آن عالم که سرای زندگی جاودان است، خویشان را در بدترین شرایط می‌بینند؛ در حالی که می‌توانستند با چند روز صبر و شکیبایی و مبارزه با هواهای نفسانی، زندگی سراسر افتخار و سعادت‌بخش و آخرتی آباد و سربلند داشته باشند؛ حتی نیکوکاران نیز در آن روز حسرت می‌خورند که چرا بیشتر نیکی نکرده‌اند؛ به‌خصوص کسانی که به دلیل دوستی با افراد آلوده گرفتار عذاب و آتش الهی می‌شوند و چنین فریاد می‌زنند: «یا ویلتی لیتنی لم اتخذ فلاناً خلیلاً»<sup>۲</sup> و این فلانی، همان شخصی است که او را به گمراهی کشانده که ممکن است دوست، خویشاوند یا شیطان باشد.<sup>۳</sup>

۲. دشمنی دوستان بد در آخرت: «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ»<sup>۴</sup> دوستان در آن روز، دشمن یکدیگرند؛ مگر پرهیزکاران. این آیه، از حالت دوستانی که در مسیر گناه و فساد یا زرق و برق دنیا، دست مودت به هم می‌دهند، پرده برداشته و می‌گوید:

۱. طبرسی، امین الاسلام فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه علی کرمی، ج ۴، ص ۱۶۶.

۲. فرقان، آیه ۲۸.

۳. نقش دوستان در سرنوشت انسان، ص ۳۶-۳۷.

۴. زخرف، آیه ۶۷.

همه دوستان در آن روز، دشمن یکدیگر می‌شوند، مگر آنان که در زمره پرهیزکاران باشند.

۳. **دوزخی شدن انسان:** در آیات ۴۲ تا ۴۵ سوره مدثر آمده که وقتی بهشتیان از دوزخیان می‌پرسند: چه چیزی شما را به دوزخ فرستاد، آن‌ها اموری را در پاسخ ذکر می‌کنند، از جمله می‌گویند: «وَكُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ؛ ما پیوسته با اهل باطل همنشین و هم‌صدا بودیم.»

۴. **فرجام بد:** آیه ۱۴۰ سوره نساء می‌فرماید: «فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِذًا مِّثْلَهُمْ؛ با استهزاکنندگان به آیات خدا ننشینید تا به سخن دیگری پردازند؛ زیرا در غیر این صورت، شما هم مثل آنان خواهید بود.»

### ج. نقش دوستان در سرنوشت دنیوی انسان

دوستان در فرآیند زندگی دنیوی انسان نیز نقش مثبت و منفی دارد.

#### \* نقش مثبت:

۱. **راهنمایی به صفات پسندیده:** در حدیثی از رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خوانیم: «لَا تَجْلِسُوا إِلَّا عِنْدَ كُلِّ عَالِمٍ يَدْعُوكُمْ مِنْ خَمْسٍ إِلَى خَمْسٍ: يَدْعُوكُمْ مِنَ الشُّكِّ إِلَى الْيَقِينِ وَمِنَ الرِّبَا إِلَى الْإِحْلَاصِ، وَمِنَ الرَّغْبَةِ إِلَى الرَّهْبَةِ وَمِنَ الْكِبَرِ إِلَى التَّوَاضُعِ وَمِنَ الْغِشِّ إِلَى النِّصِيحَةِ؛<sup>۱</sup> نشست و برخاست نکنید، مگر با عالم دانشمندی که شما را از پنج چیز به پنج چیز دیگر دعوت و راهنمایی کند:

۱. از شک به یقین؛

۲. از ریا به اخلاص؛

۳. از رغبت به دنیا، به زهد و بی‌رغبتی به دنیا؛

۴. از تکبر، به تواضع و فروتنی؛

۵. از فریبکاری، به خیرخواهی.»

گاهی انسان با فردی عالم آشنا می‌شود که با چند جلسه نشست و برخاست و گفتگو، انسان را دگرگون می‌کند؛ انسانی که ممکن است نسبت به خدا یا عالم قیامت

۱. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۲۷.

دچار شک و تردید باشد، همین همنشینی و صحبت، روح باور و یقین را در وجود او تقویت می‌کند و شک و تردید او را از بین می‌برد.<sup>۱</sup>

۲. **یادآور حقایق و حلال و حرام:** پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا رَزَقَهُ خَلِيلًا صَالِحًا إِنْ نَسِيَ ذِكْرَهُ وَإِنْ ذَكَرَ أَعَانَهُ»<sup>۲</sup> کسی که خداوند خیر عظیمی را برای او بخواهد، دوست شایسته و رفیق صالحی را نصیب او می‌کند. اگر حقایق الهی و حلال و حرام و خواسته‌های حق را فراموش کند، به یادش می‌آورد و اگر به آن‌ها توجه نماید، او را برای اجرا کردنش یاری می‌دهد.»

۳. **تأمین خیر دنیا و آخرت:** رفیق مثبت و دوست سالم، سبب خیر دنیا و آخرت است، علی رضی الله عنه فرمود: «جُمِعَ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي كِتْمَانِ السِّرِّ وَمُصَادَقَةِ الْأَخْيَارِ وَجَمْعِ الشَّرِّ فِي الْإِذَاعَةِ وَمُوَاحَاةِ الْأَشْرَارِ»<sup>۳</sup> خیر دنیا و آخرت، در پوشانیدن و حفظ اسرار و رفاقت و همنشینی با نیکان گرد آمده و همه شرّ، در پخش اسرار و دوستی با اشرار جمع شده است.»

۴. **افزایش شکر نعمت‌ها:** علی رضی الله عنه، دوستی، همنشینی و رفاقت با فقرا را توصیه کرده است؛ «جَالِسِ الْفُقَرَاءَ تَزِدُّ شُكْرًا»<sup>۴</sup> با فقرا همنشین باش؛ زیرا موجب افزایش شکر تو می‌شود.»

روابط با فقرا و تهیدستان، موجب می‌شود که انسان از زندگی خود راضی شود و خدا را بر نعمت‌هایی که به او داده است، شکر کند؛ زیرا وقتی انسان وضع مالی خود را با فقرا بسنجد، زندگی برای او شیرین و گوارا می‌شود و نعمت‌های الهی را که به او ارزانی داشته است، بزرگ می‌شمارد در نتیجه شکرگزار خداوند می‌شود.<sup>۵</sup>

#### \* نقش منفی:

۱. **از بین رفتن ایمان و ابروی:** همنشینی با دوستان ناجنس، از هر زهری کشنده‌تر و از هر خطری خطرناک‌تر و از هر کار ناشایستی، زشت‌تر است؛ زیرا دوست ناباب، دین

۱. نقش دوستان در سرنوشت انسان، ص ۵۴.

۲. فیض کاشانی، محسن، محجة البیضاء، کتاب آداب الصحبة والمعاشره؛ معاشرت، ص ۱۳.

۳. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۷۸، ح ۱۷.

۴. التیمی الامدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۳۶.

۵. نقش دوستان در سرنوشت انسان، ص ۵۷-۵۶.

و ایمان و اعتبار و آبروی انسان را بر باد می‌دهد و آدمی را از فیوضات و عنایات حضرت حق محروم می‌کند.<sup>۱</sup>

تا توانی می‌گریز از یار بد یار بد بدتر بود از مار بد  
 مار بد تنها تو را بر جان زند یار بد بر جان و بر ایمان زند<sup>۲</sup>

**۲. بدکار شدن انسان:** رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤَاخِيزُ كَافِرًا وَلَا يُخَالِطُنَّ فَاجِرًا وَمَنْ آخَى كَافِرًا أَوْ خَالَطَ فَاجِرًا كَانَ كَافِرًا فَاجِرًا»<sup>۳</sup> کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، رابطه برادری و دوستی تنگاتنگ با کافر برقرار نکند و با بدکار رفاقت نداشته باشد. کسی که با کافر دوستی تنگاتنگ برقرار کند یا با بدکار معاشرت نماید، کافر و بدکار است.»

**۳. عامل هلاکت انسان:** امام موسی بن جعفر علیه السلام از حضرت عیسی علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: «إِنَّ صَاحِبَ الشَّرِّ يُعَدِّي وَفَرِيضَةَ السَّوِّءِ يُرَدِّي فَأَنْظِرْ مَنْ تُقَارِنُ»<sup>۴</sup> بی‌تردید، دارنده خطاها و لغزش‌ها، دشمنی می‌ورزد و به حقوق انسان تجاوز می‌کند و رفیق بد و ناجنس، آدمی را هلاک می‌کند و از اعتبار و آبرو می‌اندازد. پس با دقت بنگر که با چه کسی همنشین می‌شوی.

**۴. گمان بد بر نیکان:** علی علیه السلام فرمود: «نشست و برخاست با بدان باعث می‌شود که به نیکان گمان بد ببریم و بر عکس، اگر اشرار با اختیار رفت و آمد کنند، کم‌کم به نیکان ملحق می‌شوند. چنانچه نیکان به مجلس و محفل بدان خو کنند و با آنها ارتباط برقرار کنند، به فجّار و بدکاران ملحق می‌شوند. به طور کلی، اگر حال فردی برایت مشتبه شد و ندانستی که متدین است یا نه، به دوستانش نگاه کن. اگر آنها متدین بودند، او هم هست؛ وگرنه در او هم دین الهی رسوخ نکرده است.»<sup>۵</sup>

**۵. زیبا جلوه دادن زشتی‌ها و زشت جلوه دادن زیبایی‌ها:** امام صادق علیه السلام فرمود: «روزی مرد توانگری که لباس فاخر و زیبایی بر تن داشت، نزد رسول خدا ﷺ نشست بود که

۱. معاشرت، ص ۸۸.

۲. نظامی گنجوی.

۳. شیخ صدوق، صفات الشیعه، ترجمه عزیزالله عطاردی، ح ۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۹۷، ج ۳۱.

۴. کلینی، الکافی، باب من تکره مجالسته...، ح ۴؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ب ۱۱، ح ۱۵۵۴۲.

۵. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ماده «جلس».



فرد فقیری با لباس کهنه و چرکین آمد و کنار وی نشست. مرد توانگر خود را کنار کشید و لباس خویش را جمع کرد. رسول خدا ﷺ غضبناک شدند و فرمودند: ترسیدی از فقر او چیزی به تو سرایت کند؟ گفت: خیر. فرمودند: ترسیدی از ثروت تو به او چیزی برسد؟ گفت: خیر. فرمودند: ترسیدی کهنگی لباس او در تو اثر کند؟ گفت: خیر. فرمودند: پس چرا خود را کنار کشیدی و لباس خود را جمع کردی؟ گفت: ای رسول خدا! من همنشینی دارم که زشتی‌ها را برایم زیبا و زیبایی‌ها را برایم زشت جلوه می‌دهد! [نشست و برخاست با وی و تأثیر همنشینی، سبب این کار ناشایست من شد.] اکنون حاضرم برای جبران این کار خلاف، نصف اموالم را به او بدهم! رسول خدا به آن مرد فقیر فرمود: تو قبول می‌کنی؟ گفت: خیر. آن مرد پرسید: چرا قبول نمی‌کنی؟ گفت: «أَخَافُ مَا أَنْ يَدْخُلَنِي مَا يَدْخُلُكَ؛ می‌ترسم همان حالتی که برای تو پیدا شده است، برای من نیز پیدا شود.»<sup>۱</sup>

**۶. عدم رفاقت با سه طایفه:** امام علی علیه السلام این سخن را به دلیل اهمیت فوق‌العاده و تأثیر آن در سرنوشت انسان‌ها، بارها روی منبر می‌فرمود: «سزاوار نیست که مسلمان با سه طایفه رفاقت، دوستی و برادری داشته باشد:

۱. ماجن (ناپاک، فاسق)؛

۲. احمق؛

۳. کذاب.»

آن‌گاه فرمود: «ماجن، کسی است که کار زشت خود را برای تو زینت می‌دهد و دوست دارد تو نیز مانند او باشی. او هرگز تو را در امر آخرت و معاد کمک و یاری نمی‌کند. رفاقت و دوستی با او، جفا است و سبب قساوت قلب می‌گردد. رفت و آمد او با تو، مایه ننگ و عار است؛ اما احمق، تو را به خیر و نیکی راهنمایی نمی‌کند. امید این که ضرری از تو دفع کند، نیست؛ هرچند در این باره تلاش و کوشش نیز نماید. چه بسا می‌خواهد به تو سودی برساند، ولی زیان می‌رساند. برای چنین کسی، مرگ بهتر از زندگی و سکوت بهتر از گفتار، و دوری بهتر از نزدیک بودن است؛ اما دروغگو، زندگی با او گوارا نخواهد بود، سخن زندگی تو را برای دیگران می‌گوید و سخن

۱. نقش دوستان در سعادت انسان، ص ۳۸-۳۷.

زندگی دیگران را با تو بازگو می‌کند. هرگاه رشته سخن او از چیزی تمام شود، رشته دیگری برای سخن باز می‌کند؛ تا جایی که حتی اگر سخن راست هم بگوید، سخن وی تصدیق نمی‌شود. بین مردم دشمنی می‌اندازد و در سینه‌ها تخم کینه می‌کارد. پس از خدا بترسید و مواظب خویش باشید و دقت کنید.<sup>۱</sup>

### منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، سید رضی، انتشارات دار الهجره، قم.
۳. بهرامی، غلامرضا، آیین دوستی، قم، مجمع ذخایر اسلامی.
۴. کلینی، شیخ محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه احمد بانپور، انتشارات استوار، ۱۳۹۰ش.
۵. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الأمالی، انتشارات دار الثقافة، چاپ اول، قم، ۱۴۱۴ق.
۶. کلینی، شیخ محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول، قم.
۷. حاکم نیشابوری، ابوعبدالله محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۲۹ق.
۸. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار(علیهم السلام)، محمدباقر بن محمد تقی مجلسی، مؤسسه الوفا، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۹. جوانان می‌خواهند بدانند، علی سرلک، مشعل هدایت، قم، ۱۳۹۰ش.
۱۰. دوستی در آیات و روایات، محمد محمدی ری‌شهری، ترجمه سید حسن اسلامی، انتشارات دار الحدیث، چاپ ششم، قم، ۱۳۸۹ش.
۱۱. دوستی زیبا است، یدالله نفری، دار النشر اسلام، قم، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.
۱۲. دیوان اشعار سعدی.
۱۳. دیوان اشعار سنایی.
۱۴. دیوان اشعار نظامی گنجوی.
۱۵. راهنمای پرواز در فضای جوانی، ابوالقاسم بخشیان، زمزم هدایت، قم، ۱۳۹۰ش.
۱۶. سفینه البحار، حاج شیخ عباس قمی، دار الاسوة، قم.
۱۷. صفات الشیعه، ابن بابویه، محمد بن علی، اعلمی، ترجمه عزیزالله عطاردی، تهران.

---

۱. اصول کافی، ترجمه احمد بانپور، ج ۲، ص ۳۷۶.

۱۸. غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد التیمی الامدی، دانشگاه تهران، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۰ش.
۱۹. کلیات مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، قم.
۲۰. لغت‌نامه دهخدا، علی‌اکبر دهخدا، ذیل حرف میم، ۱۳۷۷ش.
۲۱. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، انتشارات ناصرخسرو، تهران.
۲۲. محجۀ البیضاء، محسن فیض کاشانی، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۲ش.
۲۳. معاشرت، انصاریان، حسین، دار العرفان، قم.
۲۴. میزان الحکمة، محمد محمدی ری‌شهری، دار الحدیث، قم.
۲۵. نقش دوستان در سرنوشت انسان، علی‌اکبر صمدی، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷ش.
۲۶. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، مؤسسه آل‌البیت، قم.